

طرحی درباره انقلاب آموزشی

هدف اصلی این انقلاب راترك وابستگی تشکیل می دهد
وابستگی بھر نظام دیگر

از سوی دیگر انقلاب آموزشی را میتوان جزئی از انقلاب فرهنگی دانست چون که نظام آموزش و پرورش هر کشور جزئی از کل نظام همان کشور به حساب می آید به عبارت دیگر فرهنگ هر جامعه بعنوان کل و مجموعه ای وسیع است که در وسط آن، تربیت بعنوان يك جزء قرار دارد، آنچه که ما در این بحث مورد نظر داریم به معنیقت طرح ایجاد انقلابی در این جزء از میان آن کل است و تکیه به دیگر گونی بنیادی در نظام تربیت کشور است میخواهیم از بین نظامات حاکم بر جامعه تنها این نظام را مورد بحث قرار دهیم اگر (چه) در ضمن این دیگر گونی تحولی در سایر ارگانها هم پدید خواهد آمد.

بخش اول ضرورتها

ماعتقدیم نظام موجود که دستکاری ورتوش شده همان نظام گذشته است نمی تواند اهداف انقلاب و ثبات و تداوم آنرا

اگر فرهنگ را بر آن اساس که تعریف کرده اند شامل مجموعه ای از افکار و ارزشها فلسفه، علم، هنر، ادبیات، آداب و سنن و دیگر یافته های اجتماعی بدانیم، انقلاب فرهنگی بمعنای دیگر گونی بنیادی و اساسی در همه زمینه های فوق و لازمه تثبیت هر انقلاب اجتماعی، نظامی، سیاسی، اقتصادی و از جمله انقلاب اسلامی ایران است. ولی آنچه که تحت عنوان انقلاب آموزشی مطرح میشود، از یکسو همان انقلاب فرهنگی و از سوی دیگر جزئی از آن است. انقلاب آموزشی را به حقیقت میتوان بطن آن دیگر گونی بنیادی در اهداف محتوا (تکرز، ارزش، فلسفه، علم، هنر، ادبیات، آداب و سنن و...) و نیز سازندگی و باز آموزی معلم، ارزیابی، سیستم اداری و... است.

اهدائی زهیا، قابل قبول، مترقی در همه زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، اقتصادی و معنوی است که ما آن را در نوشته‌ها و طرح‌ها و بوسترها کاملاً به‌یاد می‌بینیم ولی هدفهای پنهان، ایجاد وابستگی همه‌جانبه به غرب، خود باختگی و تسلیم بی‌قید و شرط در برابر افکار امپریالیسم غربی و گاه شرقی، حفظ نظام حکومتی موجود و در جمع، تأمین منافع اربابان اعتبار است.

۳- محتوا :

محتوا از آنچه که مربوط به پرورش اخلاقی و اسلامی است، خالی است قدرت دفاع از افراد سلب شده، ارزش و شخصیت انسانی انسان نادیده گرفته شده استمدادها و توانائیها امکان رشد و شکوفائی ندارند، فرضیه‌ها و مباحث علمی آنها سرگرم کننده اند در آن، تخریب فرهنگ و سنن اسلامی است، از آموزش نظامی خبری نیست، اقتصاد در آن هدف است نه وسیله، روح طبقاتی در آن تصویب میشود، الرادزابه نظام اشرافی، به تشخص طلبی و امیدارد و از محتوای مردمی خالی است، مفاهیم انسانی و اجتماعی در آن اندک است، تضاد های فکری را دامن میزند که خود برای دستگاه استعماری سود بخش است محتوا برای زن و مرد یکسان است، مسائل مطروحه‌اش بازمینه‌های روحی و جنسی اینان تناسب ندارد، هر چیزهای زائد و بی‌هوده برای سرگرم داشتن ذهن (نه پروردن آن) در آن

سال بیستم شماره ۱۱

تضمین کند ضرورتی همه‌جانبه برای یک برنامه‌ریزی جامع و عمیق در زمینه آموزش و پرورش کشور احساس میشود، و به هر میزان که در این زمینه تأخیر شود زیانهای افزونتر و ضایعاتش بیشتر غیر قابل جبران خواهد شد. این ضرورت از دیدهای گوناگون قابل بررسی است که ما برای رعایت اختصار آن را از دو دید، مورد بررسی قرار میدهم الف- نارسائی نظام گذشته، ب- نیاز جدید به دگرگونی بنیادی.

الف- نارسائی نظام گذشته

در این زمینه از مسائلی بایند نام برد که اهم آنها بدینترارند :

۱- منشأ نظام :

نظام تربیتی ما، کبیهای از غرب و استقراض و تقلیدی است از کشورهای استعمار که بعدها و بتدریج کوشیدند آن را بصورت مخلوطی از اسلام و غرب در آورند و بهین نظر آمیزهای از الگوهای غربی و اسلام در برابر متعلمان قرار میگرفت که حاصل آن چیزی جز رسوائی نبود.

نظام تربیتی، نظامی استعماری است ولی استعماری جدید، که در آن بجای به بند کشیدن تن ادم به در بند کشیدن فکرو روان کرده‌اند تلنرویی ستیز با عوامل استعماری از میان برود. وابستگی به غرب و زمینه‌انسان‌الف و حتی خود باختگی نسبت به آن از هر حیث فراهم گردد.

۲- هدفها :

در این نظام هدفهای ظاهری تربیت،

شماره مسلسل ۷۳۶

و بهین نظر به باسوادی را برای تدریس به کلاس فرستادند غافل از آن که به غیر از سواد به اخلاق و تربیت هم نیازی است ، رابطه بین شاگرد و معلم ، رابطه دو بیگانه ای بود که یکی در صدد کلاه گذاری و دیگری در صدد مچ گیری است ، و پیداست که در این میان چه تقلبی و اضطرابی پدید می آید ، روش معلم اندیشیده ، بر اساس ضابطه ای عقلانی نیست ، رابطه ظالم و مظلوم ، حاکم و محکوم نسبت به شاگرد است ، توصیه اش به توجه ساختن الگوئی همانند خود است و از این طریق وهم بعثت زیبا نشان دادن آینده کارمندی ، روح مدرک گرایی را در شاگرد احیاء میکند کارش بیش از آنکه سازندگی و بازسازی باشد ایجاد سرگرمی است تا مزاحم خانه ، دولت و اجتماع نباشند .

۹- ارزیابی و امتحانات :

امتحان وسیله ای است برای پدام انداختن و مچ گرفتن ، پلی است که در آن سوی آن ، مدرک رتبه و آب و نان است وسیله ای است برای نشان دادن تبحر و قدرت معلم و میزان موفقیت و در نتیجه تشویق او ، اما سوالات امتحانی بر اساس چه ضابطه ای و چه میزان از محتوا و با چه زمینه صحت و صوابی ؟ امری است که پاسخ روشنی ندارد

شاگرد میکوشد بهر گونه است خود را به آن سوی پل برساند خواه از روی تقلب ، از طریق اسلحه کشی ، واسطه تراشی شب زنده داری تباری برای دزدیدن سئوالات ،

زیاد چشم میخورد در آن کهنه گرایی است بنادر گرایی است محتوا ، دوزاخ واقعیت است محقق و مجتهد نمی پروراند ، به فرد گرایی تکیه دارد و ..

۴- روش :

روش در آموزش به گونه ای است که مغزهای انباشته تحویل میدهد نه پرورده قدرت تجزیه و تحلیل را از افراد سلب میکند تکیه به محفوظات دارد ، به مسووعات بیشتر توجه میکند تا به مبصر است ، تجربه و آزمایش و لمس واقعیت در آن مطرح نیست مسائل تجربی هم بصورت حلقی و بنداری آموخته میشوند .

در جنبه پرورش ، تکیه به اطاعت کور کوزانه و بیچون و چرا است ، به خشونت بیشتر توجه میشود تا به مهر و صفا ، آداب انضباطی جنبه تصنعی دارد ، معلم و مربی خود را فوق قانون میدانند ، آنچه که مورد امر و نهی شان است تنها برای شاگردان است نه خود کودکان ، افرادی بیارمی آیند متصنع ، فریبکار ، حيله گر و در موارد بسیاری هم عقده ای .

در جنبه ای اداری ، نظام روی پرور - کراسی است ، دفتر ، کتاب ، سازمان اداری منظم ، کارها بر اساس بخشنامه ، انجام يك معامله ۱۰۰ رهایی در دستگاه بر اساس چند ماده و تبصره ولی مسائل و امور از درون بوج و هوسیده است و کاری انجام نمیشود

۵- معلم :

کوشش بر این بود که الراد با سواد شوند

ب - نیاز جدید به دگر گونی
بنیادی :

اینکه که انقلاب اسلامی در کشور ما به
تمر رسیده ، بر اساس خواست مردم و تأیید
قانون اساسی و نظام جمهوری اسلامی
همه ارگانها ، سازمانها ، خط مشی ها و
محتواها باید اسلامی شوند و طبعاً دگر گونی
در سیستم آموزشی برای ادامه حیات انقلاب
ضروری است نظام تربیتی کشور باید دوازده
گونه شود ، اقدامات اصیل و بنیادی در
جنبه‌های باید پدید آید و سلطه‌های فکری
و اقتصادی باید بهر گونه‌ای که هست معر
و نابود شود .

ضرورت برنامه ریزی :

برای وصول به چنین خواسته هائی
نمی‌توان بگونه‌ای سرسری اقدام کرد ،
دستکاری‌ها در کتب درسی ، صدور بخشنامه
در تغییر مشی و روشی ، دردی را دوانمی‌کنند
و با تغییر اسم و عنوان ، طاعوتی و تراسر
دادن عنوانهای اصیل در این زمینه نمی-
توان کاری کرد ، آنچه مهم است انجام
یک برنامه ریزی علمی و مضبوط است که
در آن هدفها ، محتوا ، روشها ، ارزیابی ، تربیت
معلم ، زمینه‌های لازم فکری ، اجتماعی ،
اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی مشخص باشد

ویژگی این برنامه ریزی :

برنامه ریزی باید جامع ، دقیق ، بنیادی ،
مکتبی و دائمی باشد ، شرایط سیاسی
اجتماعی و اقتصادی ، فرهنگی برای اجرا
در نظر گرفته شود . جهان بینی ها ، نگرش-

سال بیستم شماره ۱۱

پرداخت رشوه و حواه از طریق دیگر ، دانش
آموز را کالی است که شب امتحان خوب
کار کند چون فردا پس از امتحان نتیجه برای
او و دیگر شاگردان کوشا و تلاشگر یکسان
است .

ضایعات نظام :

نظام رضایعاتی فوق العاده است ، در آن
معرومان و مستضعفان پایگامی ندارند ،
۱۰۰ هزار دیپلمه بی‌کار بر جای می‌گذارد ،
فقط کارمند و اندیکاتور می‌سازد ، محصول
آن اغلب بنجل ، خسته فکر ، پرتوئس ،
ناآگاه ، دوراز و اطمینهای جامعه ، فردگرا ،
خودمدار ، داوطلب پشت میز نشینی ،
دارای روح تحجر بجای تدین ، آزاد مطلق
و بی بند و بار ، کجرو خودبین و خود پسند و
کسانی هستند که تنها خود را برسمیت
می‌شناسند .

اگر این همه تلاش داوطلبان که صرف
کسب مدرک میشود صرف فالیابی ، آموزش ،
پنجر گیری ، کشاورزی ، لوله کشی ، تعمیر-
کاری بخاری سازی میشود . موفقیت در آن
بیشتر و هم بازدهی کار و تحصیل و قدرت
تولید در کشور ، به مراتب زیادتر و دیپلمه
بی‌کاره کمتر می‌گردید ، امروزه ما در این
نظام مواجهیم با سنگینی هزینه تربیت ،
کمبود معلم واجد شرایط ، گرانی معلم ،
اتلاف استعدادها ، نادرستی روش ، ویرانی
اهداف ، بوجی محتوا و ناصواب بودن
ارزیابی و ..

شماره مسلسل ۷۳۸

است که در آن صورت جنبه‌های اصلاحی
و با رنورمستی در آن مطرح خواهد بود

منابع آن :

برای منابع در این برنامه ریزی از این
زمینه‌ها باید سود جست: قرآن سنت (قول
فعل، تقریر) معصومین (ع) جنبه‌های
عقلانی، تجارب دیگران، تجارب بین‌المللی
و نظرات مکتبی مردم، طبعاً تلاشی که
عده‌ای از بزرگان در این زمینه کرده‌اند قابل
تقدیر و گفته‌ها و نوشته‌های شان منابع
مهمی خواهد بود.

های مثبت جهانی، اخلاق و معنویت، علم
و تجارت روز در آن مورد نظر باشد انگیزه
های تشریحی و تقلیدی، سلیقه‌های شخصی
موجب رکود و تخدیر است و باید از آن
برحذر بود. نظرات عالمان ربانی، فلاسفه
الهی، متخصصان تربیت، آگاهان به
مسائل روانی، صاحب نظران در مسائل
اجتماعی، فرهنگ‌شناسان راستین، انسان
شناسان متعهد، باید در آن گنجانده شود
اینکه سخن ازدانمی بودن برنامه‌ریزی
بمیان آمد، بخاطر امکان رفع نقایص آن در
حین عمل و انطباق آن با شرایط علمی روز

پایه از صفحه ۱۳

و حدود مفهوم ربا، و طرق ساختگی فرار
از ربا را دقیقاً مورد بحث قرار می‌دهیم.
در پایان این بحث ذکر این نکته را لازم
می‌دانیم که تا بانگهای رباخوار (بهرنام و
عنوان) در کشور ما باقی است نمی‌توانیم
ادعا کنیم نظام اقتصادی مملکت ما کاملاً
اسلامی و انقلابی است.

و از همینجاست که بانگهای رباخوار مانند
علف هرزه در هر کوی و برزن و کوچه پس
کوچه ظاهر میشوند و مانند یک غده سرطانی
بسرعت گسترش می‌یابند.

* * *

ما بخواست خدا در بحثهای آینده نظر
اسلام را در مورد ربا و فلسفه‌های هشت-
گانه تحریم که در منابع اسلامی یافته‌ایم

رسم آزادی



مکتب اسلام

ایکه بی تحقیق تهمت می‌زنی بر این و آن
از حسین (ع) آموز رسم باپردی در جهان
گر نداری دین اندر زندگی آزاده باش
آبروی مردمان را آبروی خویش دان
باخرد باش و مکن تحقیر مردم بی جهت
تا نگشته جرم کس ثابت گهنکارش مخوان
(بشیر اراکی)